

قرارداد گازی ایران - توتال، قانون تحریم داماتو - کندی و اقتصاد ایران

متن ویراسته سخنرانی دکتر منوچهر فرهنگ در انجمن اقتصاددانان ایران، در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲۷

ایران - توتال حوزه گازی پارس جنوبی را در برمی گیرد که حداکثر ظرفیت آن پانصد تریلیون فوت مکعب و حداقل ذخیره آن دویست و چهل تریلیون فوت مکعب و متوسط ذخیره آن در حدود ۳۲۰ تریلیون فوت مکعب می باشد. حداکثر میزان بهره برداری از این مخزن به چهارصد تریلیون فوت مکعب سر می زند. این مخزن در عمق هفتاد متری دریا قرار دارد.

قرارداد ایران - توتال بر اساس مفهوم اقتصادی پس خرید (Buy-back) انعقاد یافته است، بدین شرح که شرکت فرانسوی توتال و سایل کار را فراهم می آورد و خدمات لازم را انجام می دهد و مطالبات خود را به صورت گاز مایع از محصول چاههای همین حوزه و بر اساس هر بشکه نفت خام به قیمت روز دریافت می دارد.

این قرارداد در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷ میلادی میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت توتال (که ده درصد آن متعلق به دولت فرانسه است و حق انتخاب و انتصاب رئیس کل آن را دارد) به عنوان طرف اصلی و دو شریک گاز پروم روسی و پتروناس مالزیایی هر یک به ترتیب دارای سهم ۴۰ درصد، ۳۰ درصد و ۳۰ درصد در تهران به امضا رسید. قرارداد نخست میان شرکت ملی نفت ایران و کمپانی توتال و سپس قرارداد واگذاری میان توتال و هر یک از دو شریک به نسبت سهام مذکور امضا شد و بلافاصله این قرارداد واگذاری میان توتال و شرکاء به امضای شرکت ملی نفت ایران رسید. این قرارداد در سه زمینه مالی، اجرایی و حقوقی بررسی می شود و سپس مورد ارزیابی قرار می گیرد و سرانجام نظریات نهایی سخنران به عرض می رسد.

شرایط مالی:

شرکت فرانسوی توتال و سایل فنی لازم برای اجرای قرارداد را به مبلغ دو میلیارد دلار فراهم می آورد و مبلغ ششصد میلیون دلار

ایران کنونی از انباشت مشکلات اجتماعی - اقتصادی و نارساییهای سه دوران تاریخی زیر فشار قرار دارد: یکی، مشکلات تاریخی به جا مانده در طول قرون و اعصار بر اثر تاخت و تاز بیگانگان که هر بار شهرها و روستاهایمان را در نور دیده اند و با خاک یکسان ساخته اند، قناتهارا کور کرده اند، چشمه ها را خشکانیده اند، از سرها منارها برافراشته اند و ثمرات کار و کوشش مردم جان سخت را به باد داده اند و نگذاشته اند جلوه های تابناک اندیشه ایرانی، این نقطه های پراکنده و گسسته ترقی و سرفرازی به صورت زنجیری پیوسته در آید و نهادینه شود؛ دوم، مشکلات ناشی از بیخبری و غفلت از جریانهای رنسانس و انقلاب صنعتی که عقب ماندگی کنونی را به بار آورده؛ و سوم، مشکلات ناشی از بی کفایتی و بی توجهی قدرتمندان حاکم طی دو قرن اخیر که ایران را بدین سان از قافله پویا و پیشرونده تمدن متعالی دور نگاهداشته است. اما حکم تاریخ این بوده است که ایران بماند و جاویدان بماند. انباشت این نابسامانیها بار مسئولیت ملت ایران را بس سنگین ساخته است، زیرا هم باید جبران مافات کند و هم سرعت گیرد و خود را به ملت های پیشرونده برساند. بدین منظور اگر همت و اراده کار موجود باشد اسباب بزرگی همه فراهم است و چاره نیست جز آن که همه منابع و امکانات کشور به کار گرفته شود و در چارچوب برنامه های اقتصادی و اجتماعی به سوی هدفهای ملی پیشروی گردد.

در شمار چشمگیر امکانات کشور، منابع عظیم گاز و نفت قرار دارد. ایران ده درصد نفت و پانزده تا بیست درصد گاز جهان را در اختیار دارد. موضوع بحث ما ذخایر پربار گاز است که در فلات قاره خلیج فارس عبارت است از حوزه های گازی سرجون، آقار و دالان در منطقه بندرعباس، گورزین و سلخ در قشم، حوزه سلمان همجوار دوی، پارس شمالی و پارس جنوبی هم مرز دریایی قطر. قرارداد

بابت بهره این سرمایه اولیه به حساب بدهکار ایران می گذارد. یک دوره زمانی پنج ساله برای بازپرداخت سرمایه و بهره مورد نظر قرار گرفته است.

کمپانی توتال مبلغ ۱۴۰۰ میلیون دلار بابت پاداش خدمات اجرایی طی مدت پنج سال و نیم در نظر می گیرد با این شرط تشویقی که اگر کار اجرایی زودتر انجام یابد این مبلغ کاهش نیابد و همین مبلغ به حساب بدهکار ایران منظور گردد.

به این ترتیب وجوهی که در مرحله اجرا خرج می شود به مبلغ چهار میلیارد دلار بالغ می گردد. بر اساس قیمت فرضی هر بشکه نفت خام در حدود ۱۸ دلار و خورده ای مدت واریز از اواسط سال ۲۰۰۱ آغاز می شود و تولید چاهها هفت سال ادامه پیدا می کند و بر همین قیاس مقدار گاز مایعی که باید به توتال تحویل شود در حدود هشتاد هزار بشکه نفت در روز می باشد.

پیش بینی شده است در صورتی که مقدار گاز مایع استحصالی از چاهها کفاف این مقدار تحویل مورد تعهد را نکند کمبود از محل نفت خام دیگر حوزه های نفتی خلیج فارس (جز نفت صادراتی شرکت ملی نفت ایران) به عنوان نفت آزادیا جانشین تحویل و جبران گردد و بدین منظور ذخیره لازم پیش بینی و تدارک می شود. واحد پول مورد محاسبه در این قرارداد دلار است و ارقام به دلار ثبت می گردد.

شرایط اجرایی و فنی:

این قرارداد در سه مرحله بدین شرح به اجرا در می آید: مرحله نخست، احداث زیربنای بندری مانند اسکله، جرثقیل، بار انداز، واحد جداسازی آب همراه از گاز ترش، ایجاد واحدهای تصفیه و تفکیک گازها، نصب لوله به طول هفتاد کیلومتر برای انتقال گاز به این واحدها، ذخیره و صدور گوگرد حاصله، انتقال گاز شیرین طبیعی به منظور استفاده در شبکه توزیع داخلی، یا تزریق در چاهها برای افزایش بازیافت یا صدور به کشورهای ترکیه، آذربایجان، پاکستان و هند و سرانجام انتقال گاز مایع به پایانه خارک و تحویل آن به توتال و انتقال آن به فرانسه که این گاز نصف مصرف روزانه فرانسه را تأمین می نماید. تفاهم و توافق شده است که این لوله ها از آلمان خریداری شود. این کارها می بایست در سال ۱۹۹۹ میلادی سرانجام پذیرد. مسئول اجرای مرحله اول، شرکت توسعه و مهندسی نفت و وابسته به شرکت ملی نفت ایران است. شرکت انگلیسی جان براون و دو شرکت ایرانی (شرکت مهندسی و ساختمانی صنایع نفت و شرکت طراحی صنایع انرژی) به عنوان مقاطعه کار و مشاور شرکت توسعه و مهندسی نفت ایران کار خواهند کرد.

اجرای مراحل دوم و سوم به عهده شرکت توتال است که از ماه سپتامبر ۱۹۹۸ در حوزه های چهارگانه ۳، ۲، ۱ و ۴ پارس جنوبی

صورت می گیرد. این حوزه ها نفوذناپذیر است و جریانی میان اینها وجود ندارد. در این مراحل دو سکوی مادر چاه نصب می گردد که از هر یک ده حلقه چاه به فواصل مناسب حفر می شود و از هر چاه روزانه یکصد میلیون فوت مکعب گاز ترش استحصال می شود؛ در نتیجه از این دو سکو و این بیست حلقه چاه روی هم دو میلیارد فوت مکعب گاز در روز به دست می آید. این گاز را دو لوله ۹۰ کیلومتری مخصوص به بندر عسلویه منتقل می سازد. آغاز کار بدین ترتیب زمان بندی شده است: آغاز کار حفاری، اکتبر سال ۱۹۹۸؛ آغاز کار حفاری برای تولید، ماه ژوئن سال ۲۰۰۰؛ حفاری برای نخستین تولید، سال ۲۰۰۱؛ و حفاری برای آغاز تولید کامل در اواسط سال ۲۰۰۲ میلادی. پس از حفر بیست چاه و ساخت دو سکوی حفاری، همزمان اقدام به بهره برداری کامل از مخزن جمعا به میزان ۲ میلیارد فوت مکعب روزانه خواهد شد. عمر سکوها سی سال پیش بینی شده و عمر بهره برداری آن از این مدت خیلی بیشتر است. عمر این مخزن افزون بر پنجاه سال خواهد بود.

بنابراین، انتظار می رود مراحل دوم و سوم پس از پنج سال پایان گیرد. توضیح آن که آغاز واریز بدهی چهار میلیارد دلاری شرکت ملی نفت ایران به شرکت نفتی توتال از سال ۲۰۰۱ میلادی برای مدت هفت سال با تحویل گاز مایع به مقداری صورت می پذیرد که بهای نفت خام در این زمان در بازار جهانی معین خواهد کرد.

زمینه حقوقی:

شرکت ملی نفت ایران به عنوان یک نهاد خصوصی این قرارداد را تدوین و تأیید کرده و به تصویب کمیته ای سه نفری متشکل از نمایندگان کمیسیون برنامه و بودجه، نفت و صنایع که از سوی مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است و نیز شورای اقتصاد و دولت رسیده است. برخی از حقوقدانان ابراز عقیده کرده اند که این قرارداد بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید به عنوان پیشنهاد در مجلس مطرح و تصویب گردد، زیرا سرمایه شرکت ملی نفت ایران جزو منابع ملی و متعلق به بیت المال است و در مقابل، مسئول شرکت مزبور عقیده دارد که اصل ۷۷ ناظر به قراردادهای بین المللی میان ایران و دولتهای دیگر می باشد؛ و این که فعالیت های روزانه شرکت و معاملات روزمره با مؤسسات خارجی را نمی توان هر بار در مجلس شورای اسلامی مطرح کرد. این کار از نظر جریان کارهای معاملاتی و تجاری عملی و معقول نیست. به نظر این جانب، چون این گونه قراردادهای معدود و رقم معامله نیز درشت است، شاید اعطای اختیار مجلس شورای اسلامی به یک سو کمیسیون و اعلام نظر بتواند این مشکل را برطرف سازد، خاصه آن که خصوصی سازی و تشکیل شرکت های خصوصی و تبدیل نهادهای عمومی و دولتی به خصوصی با سرمایه نقصان پذیر ملی که

لااقل نشان دهندهٔ زیاده‌روی در برآورد مخارج و ارقام این قرارداد می‌باشد. و البته شرکت توتال قبلاً پیش‌بینی کمبود احتمالی را کرده است. در تأیید این نظر می‌افزاید که شرکت توتال در ماه ژوئیهٔ سال ۱۹۹۵ باز هم بر اساس اصل پس‌خرید یک قرارداد ۶۰۰ میلیون دلاری با شرکت ملی نفت ایران برای بهره‌برداری از نفت خام حوزهٔ سیری پیش از تحریم ایران امضا کرده که در سال ۱۹۹۸ به بهره‌برداری می‌رسد. تولید نفت روزانهٔ این حوزه صدویست و چهار هزار بشکه قابل افزایش به دویست هزار بشکه خواهد بود. گرچه در قرارداد گازی ایران- توتال برای تأمین نفت جانشین منبع خاصی ذکر نشده، اما با مستثنی شدن نفت صادراتی شرکت ملی نفت ایران، محلی مناسب‌تر از نفت خام سیری متبادر به ذهن نمی‌شود.^۲

قانون داماتو - کندی:

دولت ایالات متحدهٔ آمریکا در تاریخ پنجم اوت سال ۱۹۹۶ میلادی قانونی به تصویب رساند که در اجرای تحریم اقتصادی ایران و لیبی شرکتهای غیر آمریکایی مجاز نیستند در سال اول بیش از چهار میلیون دلار و در سالهای بعد به مدت پنج سال بیش از بیست میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند. در صورت تخلف از این قانون آمریکایی، برای شرکتهای متخلف غیر آمریکایی مجازات‌های زیر در نظر گرفته شده است:

- ممنوعیت اعطای اعتبار از سوی بانک صادرات- واردات آمریکا یا تمدید اعتبار، بیمه و تضمین بانکی؛

- ممنوعیت صدور جواز واردات به آمریکا یا اجازهٔ ورود کالا و خدمات به ایالات متحده. این ممنوعیت اعتباری و بازرگانی می‌تواند مجازات‌های دیگری از جمله ممنوعیت صدور تکنولوژی، اسلحه و جز اینها را نیز در برگیرد. در صورت مشاهدهٔ تخلف، می‌توان یک مهلت سه‌ماهه برای تجدیدنظر در رفتار و قطع این گونه فعالیتها و یک مهلت سه‌ماههٔ دیگر برای ترک قطعی فعل به طرف یا طرفهای متخلف داد و سپس به‌هنگام عدم پذیرش، مجازات‌های اعتباری، مالی و بازرگانی را علیه طرف یا اطراف نقض‌کنندهٔ این قانون به اجرا گذاشت.

تصویب این قانون، اقدام رسمی و غیرقابل توجیه یک دولت علیه شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی از اتباع کشور یا کشورهای دیگر بوده و ناقض حقوق رسمی ملتها و دولتهاست.

نخست این پرسش مطرح است که چرا دولت ایالات متحدهٔ آمریکا به جای مبالغ مقرر، رقم «یک دلار» را معین نکرده است. اما هرگاه این رقم مقرر می‌گردید و هر گونه سرمایه‌گذاری نفتی قطع می‌شد، کمبود نفت در بازار جهانی محسوس می‌گردید و قیمت نفت خام در بازار جهانی بالا می‌رفت و ایالات متحدهٔ آمریکا که خود واردکنندهٔ بزرگ نفت است از این جریان زیان می‌دید. هرگاه دولت

○ معاملهٔ ایران- توتال برای ما گران تمام شده است، اما پیشنهاد سود ۲۰ تا ۳۰ درصد به شرکتهای بزرگ سرمایه‌گذار و صاحب شیوه‌های فنی پیشرفته برای آغاز فعالیت‌های صنعتی و قرارداد آنها در خدمت رشد اقتصاد ملی، اقدامی است همسو با سود ملی.

○ بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی در عصر حاضر، با توجه به سطح دانش و آگاهی ملت ایران و در محیطی باز، من و آرام، نه مغایر حق حاکمیت ملی ماست و نه منافع ما.

○ بی‌گمان، معاملهٔ ایران- توتال از سر ناچاری و در سایهٔ تحریم و تحت شرایط سخت بدین منظور انجام گرفته است که طلسم تحریم آمریکا شکسته شود و روزنه‌ای برای نفس تازه و دید دنیای خارج و فراهوانی سرمایه‌های خارجی پدید آید.

○ کل حجم مایع‌گازی که در طول هفت سال از حوزهٔ سرشار پارس جنوبی باید به طرف قرارداد تحویل داده شود به حدود پنج تریلیون فوت مکعب می‌رسد؛ اما باز ۳۹۵ تریلیون فوت مکعب گاز قابل بهره‌برداری در مخازن این حوزه باقی می‌ماند که این ذخیره به مدد کارشناسان فنی و نفتی ایران می‌تواند سرچشمهٔ سرمایه‌گذاری در رشته‌های گوناگون صنعتی و تولیدی ایران باشد.

گاز و نفت است، بدین معنا و با این هدف نبوده است که بخشی از داراییهای تمام‌شدنی ملت از حیطة نظارت دولت و مجلس شورای اسلامی ایران خارج گردد. این مسئله حتماً با وجود شورای تشخیص مصلحت نظام یکبار و برای همیشه قابل حل است به گونه‌ای که در جریان کارهای بازرگانی و سرمایه‌گذاری و دیگر معاملات شرکت ملی نفت ایران نکته پدید نیاید.

اما در این جا لازم است موضوع جبران کمبود احتمالی گاز مایع از محل نفت آزاد یا جانشین اندکی شکافته شود. قید لزوم جبران این کمبود، دو ایراد را مطرح می‌کند: یکی عدول و انحراف از اصل معاملهٔ پس‌خرید و واریز مطالبات از سایر منابع، و دیگر غیراقتصادی شدن این طرح با توجه به چهار میلیارد دلار خرج و بدهی ایران که

گوناگون صنعتی و تولیدی ایران بماند.

نتیجه گیری:

در مجموع، صنعت نفت ایران فعالیتی است سرمایه‌بر و کمتر موجد اشتغال نیروی کار. این صنعت با سابقهٔ نودساله با فرازونشیب تاریخ ما هم نفس بوده است. بر طبق پیش‌بینی‌هایی که شده، طی سالهای آینده تا سال ۲۰۱۰ میلادی در حدود ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار امکان تجارت و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی و گاز وجود دارد. این رقم می‌تواند انگیزه و کشش نیرومندی برای جلب شرکتهای مختلف ایرانی و خارجی و ایجاد رقابت میان آنها باشد. برای ادامهٔ بهره‌برداری رضایت‌بخش در این صنایع نیز یک میلیارد دلار وسایل، ابزار و قطعات یدکی باید خریداری و در انبار ذخیره شود.

همچنین در حدود سه میلیارد دلار برای حفظ ظرفیت تولید کنونی یعنی سه میلیون بشکه نفت خام در خشکی و ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام در فلات قاره طی ده سال باید خرج شود. نیز، ۱۲ میلیارد دلار برای صنایع پتروشیمی، ۴ میلیارد دلار برای مهندسی و کارهای حفاری و تزریق مجدد گاز در حوزه‌های نفتی قدیمی، ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار برای توسعهٔ حوزه‌های نفت و گاز فلات قاره بویژه در مخازنی که قبلاً در خلیج فارس و بحر خزر کشف شده است، در حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار طی ده سال آینده برای توسعه و تکمیل ساختمان واحدهای تصفیه و تبدیل در پالایشگاه بندرعباس، افزایش ظرفیت پالایش پالایشگاه شیراز و مبلغی بیش از یک میلیارد دلار برای ساختمان زیربنای ضروری نظیر ایجاد تسهیلات بندری در ایستگاههای نفتی جنوب مانند عسلویه و نصب لوله‌های نفتی و گازی به منظور تغییر و تعویض مسیر انتقال بویژه نفت و گاز وارده از قزاقستان و ترکمنستان، ۲ میلیارد دلار هزینهٔ نصب لولهٔ انتقال گاز از ایران به پاکستان و ۳ میلیارد دلار برای انتقال گاز به هند و گسترش شبکهٔ نفت و گاز در بهنهٔ کشور پیش‌بینی شده است. ۳ این رقم برای کمپانیهای نفت و گاز، موسسات کارخانه‌سازی و ساختمان و شرکتهای مهندسی و مشاوره بسیار جالب و برانگیزنده و جذاب است.

مشارکت شرکتهای نفتی که بازار جهانی نفت و گاز و نیز فرآورده‌های پتروشیمی را در دست دارند و قیمت‌گذارند، فقط با وجود روابط روشن امکان‌پذیر است. زمان عنصر مهمی است و اگر بر اثر ادامهٔ سوء تفاهمات و تعارضات فرصت از دست برود، موقعیتهای مهمی برای رشد و ترقی از کف رفته است. به نظر می‌رسد سرمایه‌های ملی حتی برای سرمایه‌گذاری در صنایع غیر نفتی کشور بسنده نباشد. مشارکت سرمایه‌های خارجی در عصر کنونی باتوجه به سطح دانش و آگاهی ملت ایران و در محیطی

ایالات متحده آمریکا حدنصاب را از مبلغ چهل یا بیست میلیون دلار بالاتر می‌برد، بیم آن می‌رود که سرمایه‌گذاری مؤثر فنی در صنعت نفت به عمل آید و امکان داشت سلطهٔ ایالات متحده آمریکا در قلمرو تکنولوژی از دست برود. پس هدف از تعیین و گزینش ارقام مذکور، حفظ سیادت و تسلط در زمینهٔ تکنولوژی نفتی ایالات متحده آمریکا بوده است.

و اما این توضیح نیز ضروری به نظر می‌رسد که قرارداد گازی ایران-توتال صرفاً یک معاملهٔ تجاری بوده است: خرید سرمایه برای بهره‌برداری از مخازن گاز، و از طرف دیگر فروش محصول ناشی از کاربرد این کالاهای سرمایه‌ای به طرف اول. اعلام شمول این قانون به این معامله، تخطی از اصل آزادی تجارت و مقابله با اتحادیهٔ اقتصادی اروپا و سازمان جهانی تجارت خواهد بود و در نتیجه دولت ایالات متحده آمریکا در تار گرفتار بهایی که خود تنیده است گیر خواهد افتاد. از نظر اصولی نیز تحمیل ارادهٔ یک ملت به صورت قانون بر دیگر ملتها، اقدامی است ناپسند و مغایر ضوابط اخلاقی و در واقع نوعی تجاوز از حقوق ملی به‌شمار می‌رود. از این جهت نه تنها ایران، که همهٔ کشورهای جهان در برابر این قانون ایستاده‌اند. وانگهی، شرکت نفتی توتال با پذیرش دو شریک روسی و مالزیایی، دو کشور را به یاری گرفته است. از اینها گذشته، شرکت نفتی توتال در طریق مال‌اندیشی پیش از انعقاد این قرارداد پس خرید کلیهٔ داراییهای خود را از ایالات متحده آمریکا انتقال داده و امور کار و کسب خود را نیز تصفیه کرده است. وانگهی دولت فرانسه برای حمایت از این کمپانی فرانسوی عزم جزم داشته و نقطهٔ ابهامی برای دولت ایالات متحده آمریکا نگذاشته است.

چنین به نظر می‌رسد که قانون داماتو بازار این قرارداد را به سود فرانسه و این کمپانی فرانسوی شیرین کرده و شرکت ملی نفت ایران را برانگیخته تا در انعقاد قرارداد درنگ نکند، مبدا که فرصت از دست برود. این نیز واقعیتی است که قانون ضد جهانی داماتو تیغه‌ای است که دسته‌چاقوی خود آمریکا را بریده و فرصتهای سرمایه‌گذاری را از دست کمپانیهای جهانشمول این کشور روده است.

ارزیابی کلی قرارداد:

بی‌گمان در شرایط سخت کنونی و تحریم، این قراردادی است که شرکت ملی نفت ایران از سر ناچاری با شرکت فرانسوی توتال بسته است. کل حجم مایع گازی تحویلی از حوزهٔ سرشار پارس جنوبی به حدود ۵ تریلیون فوت مکعب پس از هفت سال می‌رسد و در حقیقت باز هم ۳۹۵ تریلیون فوت مکعب گاز قابل بهره‌برداری در مخازن این حوزه باقی می‌ماند که این ذخیره به مدد کارشناسان فنی و نفتی ایرانی می‌تواند سرچشمهٔ سرمایه‌گذاری در رشته‌های

کشورهای دیگر نظیر ویتنام نیز چنین کرده‌اند. گفتنی است که سرمایه‌گذارهای هنگفت در صنایع پتروشیمی طی ده سال آینده فقط ۱۷ هزار شغل ایجاد خواهد کرد، حال آن‌که امواج جوانان در سراسر کشور خواهان زندگی بهتر و کار و زندگی را نمی‌توان فقط به امید اجرای این‌گونه طرح‌ها در انتظار نگاهداشت.

در مورد منابع گاز و نفت دریای خزر این حالت انتظار برای واکنش احتمالی به هیچ‌وجه فاعل‌کننده به نظر نمی‌رسد زیرا شرکت‌های مقتدر نفتی در آذربایجان و آسیای مرکزی بی‌اعتنا به منافع کشورهای همجوار به شدت فعالیت می‌کنند. لازم است ایران نیز هم‌زمان به دو اقدام اساسی دست زند: یکی تشکیل کمیته‌ای مرکب از کارشناسان حقوقی و اقتصادی برای تنظیم و تدوین پیشنهادی جامع برای حل مسائل حقوقی دریای خزر، و دیگر اقدام جدی و عملی برای کاوش و مهندسی و نصب سکوها و نصب لوله‌های انتقال گاز و نفت دریای خزر تا زمان مناسب برای بحث و گفت‌وگو و ارائه پیشنهاد فراهبرسد و نمایندگان ایران با دست‌پیر و موضع‌نیرومند در برابر همسایگان خود حضور یابند. این اقدامات ملازمه دارد با چرخشی در مسیر کار و کوشش و در این زمینه اجازه می‌خواهم این بیت از یک غزل معروف حافظ را بخوانم:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرح نو در اندازیم

پانویس:

۱. استاد دکتر محمود کاشانی اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بدین شرح مطرح فرمودند: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران برسد» و ابراز عقیده فرمودند که چون یک طرف این قرارداد یک شرکت خارجی و رقم معامله به‌عنوان یک سرمایه‌ملی مهم است، این قرارداد باید در مجلس شورای اسلامی ایران مطرح گردد و به تصویب برسد و در روزنامه رسمی کشور چاپ شود و انتشار یابد تا همگان از مفاد آن اطلاع حاصل نمایند، و این رویه را بنا بر سنت دیرینه احوط و به مصلحت کشور دانستند جناب آقای دکتر تژادحسینیان عقیده داشتند که دوطرف قرارداد یکی شرکت ملی نفت ایران و دیگر کمیته‌ای فرانسوی توتال دو شرکت خصوصی هستند و در شمول اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر به روابط میان دولتهاست، قرار نمی‌گیرند و اصولاً این رویه را برای معاملات جاری این‌گونه شرکت‌ها امکان‌پذیر و عملی نمی‌دانستند.

از دید نگارنده، این دیگر عذر بدتر از گناه است زیرا ممکن است زمانی اگر کار به دست افراد ناپاب بیفتد منابع گرانبها و تمام شدنی یا نقصان‌پذیر کشور را در بست و یک‌جا سرمایه‌یک شرکت خصوصی قرار دهند و بنا بر همین استدلال با یک شرکت خصوصی بیگانه معامله نمایند و ملت ایران روزی از خواب بیخبری بر خیزد و

اعلام شمول قانون داماتو به معامله ایران - توتال، تخطی آمریکا از اصل آزادی تجارت و به معنی مقابله با اتحادیه اقتصادی اروپا و سازمان جهانی تجارت خواهد بود. در نتیجه، ایالات متحده در تار گرفتاریهایی که خود تنیده است گرفتار خواهد شد.

تصویب قانون داماتو در واقع نمونه‌ای است از تلاش یک دولت برای تحمیل اراده خود به صورت قانون بر دیگر ملتها. این اقدامی است ناپسند و مغایر ضوابط اخلاقی و نوعی تجاوز از حقوق ملی که نه تنها ایران، بلکه همه کشورهای جهان در برابر آن ایستاده‌اند.

برخی از حقوقدانان ابراز عقیده کرده‌اند که برطبق اصل ۷۷ قانون اساسی قرارداد ایران - توتال می‌بایست بعنوان پیشنهاد در مجلس مطرح و تصویب گردد، زیرا سرمایه شرکت ملی نفت ایران جزو منابع ملی و متعلق به بیت‌المال است؛ در مقابل، مسئولان شرکت مزبور عقیده دارند که اصل ۷۷ ناظر به قراردادهای بین‌المللی میان ایران و دولتهای دیگر می‌باشد.

باز، امن و آرام نه معارض با حق حاکمیت ملی ماست و نه قادر است منافع ما را نادیده بگیرد. هر فعالیت اقتصادی در بازار جهانی نرخی دارد. با وجود داوطلبان پر شمار سرمایه‌گذاری مشترک و معامله در شرایط دست‌باز همراه با تفکر برون‌فرقه‌ای با استفاده از همه امکانات و استعدادهای ملی و در سایه توافق و همفکری کارساز و مشکل‌گشاست.

معامله ایران - توتال از سر ناچاری و در محیطی بسته و دور از چشم صاحب‌نظران و در شرایط دشوار بدین منظور انجام گرفته است که طلسم تحریم آمریکا شکسته شود و روزنه‌ای برای نفس تازه و دید دنیای خارج و فراخوانی سرمایه‌های خارجی پدید آید. در همین جهت لازم است انگیزه‌های مادی و پاداش این سرمایه‌ها افزایش یابد تا سرمایه‌گذاران خود دولت آمریکا را زیر فشار گذارند و ادار به لغو قوانین بی‌حاصل و نامؤثر تحریم کنند.

معامله ایران - توتال گران تمام شده است اما پیشنهاد سود ۲۰ تا ۳۰ درصد نیز به شرکت‌های بزرگ نفتی سرمایه‌گذار و صاحب شیوه‌های فنی پیشرفته برای آغاز فعالیت‌های صنعتی و در خدمت رشد اقتصاد ملی اقدامی است هم‌سو با سود ملی، چنان‌که

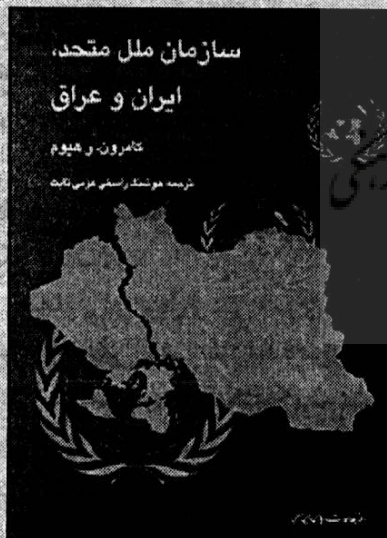
بود مطالبات توتال را به صورت نفت خام از جایی تأمین کند؛ و این انحراف از اصل پس خرید است.

ب- چنانچه برای پرداخت مطالبات چهار میلیارد دلاری توتال، قیمت هر بشکه نفت خام ۱۸ دلار در نظر گرفته شود و پایه محاسبه قرار گیرد، باید در مدت هفت سال روزانه تقریباً ۸۰ هزار بشکه تحویل گردد و طبیعی است اگر بهای نفت تنزل یابد، ایران باید بیش از ۸۰ هزار بشکه در روز تحویل دهد.

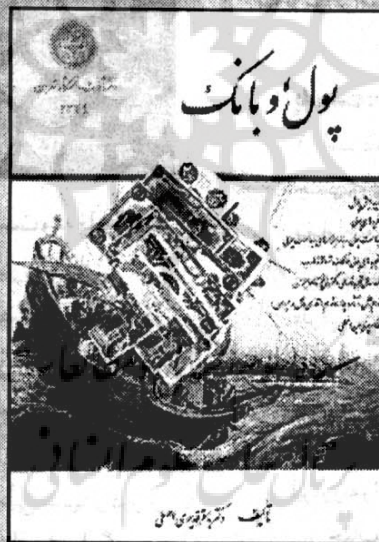
۳. پیش بینی حجم تجارت در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی طی ده سال آینده از محقق گرانمایه جناب دکتر نرسی قربان است که در مقاله‌ای با عنوان Energy and the Western Connection که در پنجم-هفتم نوامبر ۱۹۹۷ در Royal Institute of International Affairs در Chatham House لندن ارائه فرموده‌اند آمده است. رقم سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی از مقامات مسئول این صنعت است.

مبہوت و حیران خود را گرفتار يك قرارداد داری دیگر ببیند. احوط رعایت اصول است، بویژه این که طرفهای مذاکره کننده خارجی غالباً بسیار ناقلا هستند و ماهرانه عمل می کنند. هزار نقش بر آردز مانه و نبود یکی چنان که در آئینه تصور ماست.

۲. نکات زیر در مورد قرارداد گازی ایران - توتال قابل تأمل است:
الف- بر طبق اصل پس خرید، مطالبات سرمایه گذار از محل کالاهای تولید شده یا محصولات یا محصولاتی که بر اثر به کار افتادن این سرمایه به دست می آید پرداخت می شود. به موجب قرارداد توتال، گاز طبیعی متعلق به ایران است و گاز مایع باید به توتال تحویل گردد؛ اما پیش بینی شده که چنانچه گاز مایع استحصالی از چاهها کفاف بدهی ایران را ندهد، کمبود از محل نفت خام دیگر حوزه‌ها (جز نفت صادراتی شرکت ملی نفت ایران) بعنوان نفت آزاد یا جانشین جبران گردد. به همین ترتیب بدهی است اگر مایعات گازی از مخزن‌ها بیرون نیاید و فقط گاز طبیعی استخراج شود، ایران ناگزیر خواهد



سازمان ملل متحد، ایران و عراق
کامرون. رهیموم
ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت
انتشارات وزارت امور خارجه
قیمت ۱۲۰۰ تومان



پول و بانک
تألیف: دکتر باقر قدیری اصلی
انتشارات دانشگاه تهران
قیمت ۱۷۵۰ تومان



خاقانی در ایوان مدائن
نوشته علیقلی محمودی بختیاری
ناشر: کتاب سرا
قیمت ۱۴۰۰ تومان